

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال ۱۸ شماره ۳۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (صص ۱۴۰-۱۲۳)

### شخصیت ویس با نگاه به نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر

۱- طیبه عبدالله زاده      ۲- وجیهه ترکمانی باراندوزی      ۳- انسیه صادقی

#### چکیده

ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی از منظومه های غنایی است که با پرداخت درست و دقت در توصیف شخصیت ها و جزرومد های روحی آن ها، از آثار قابل بررسی با نقد روان کاوانه است. این نوع نقد در میان انواع نقد و بررسی های آثار ادبی که از ابتدای قرن بیستم شکل گرفت؛ متأثر از روشی است که توسط فروید بنا نهاده شد. در این شیوه به متن به مثابه یک رؤیا می نگرند و منتقد به تاویل آن می پردازد تا به لایه های نهفته آن پی ببرد. سوال اصلی تحقیق این است که چه عواملی در شکل گیری عقده حقارت در شخصیت ویس نقش داشته اند؟ تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی شخصیت ویس در منظومه فخرالدین اسعد گرگانی را از دیدگاه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر، پزشک اتریشی، مورد نقد و بررسی قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که ویس به سبب نادیده گرفته شدن، شکست در عشق و پرو و از دست دادن پدر، دچار عقده کهنتر انگاری شده است. وی این عقده را با جانشین سازی (انتقال به موبد)، به عقده برتری جویی تبدیل کرده و آن را به شکل تناقض در رفتار، حس برتری جویی، رشک و حسد و... نمایان ساخته است.

**کلید واژه ها:** ویس، منظومه ویس و رامین، عقده حقارت، آدلر.

#### ۱- مقدمه

منظومه ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی از جایگاه ویژه ای در ادبیات فارسی برخوردار است. این منظومه از نخستین مثنوی های عاشقانه به فارسی دری است. اصل قصه ویس

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس (نویسنده مسئول) Email: v. Torkamani@iaue.ac.ir

۳- استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس

و رامین از داستان‌های کهن ایرانی و مربوط به دوره پیش از اسلام، دوره پارتیان است. ماجرای داستان "در خانواده‌ای می‌گذرد که به عقیده پرفسور مینورسکی آن را گودرز دوم بنیان‌گذارده بوده است" (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۰۳). این منظومه نسبت به نمونه‌های مشابه دارای ویژگی خاص (عشق ممنوع) است که آن را از جنبه‌های گوناگون مورد توجه و قابل بررسی می‌کند. قهرمان اول و شخصیت اصلی داستان «ویس» است؛ زنی شوریده و بی‌پروا که دست تقدیر او را در دامن حوادث می‌افکند و هیچ ادعا و آرزویی ندارد جز عشقی که خود، خواهان آن است. داستان فخرالدین اسعد، از این نظر دربردارنده نکات بسیار جالب و ارزنده‌ای از زندگی زنان اشرافی در آن روزگار و انگیزه‌ها و موقعیت و شرایط اجتماعی آنهاست. باید اشاره کرد روایت فخرالدین گرگانی درباره ویس چنان روشن است که شخصیت او در داستان کاملاً باورپذیر می‌نماید و در حقیقت می‌توان گفت داستان ویس و رامین برآمده از ضمیر خودآگاه و نیز ناخودآگاه نویسنده داستان است که به تعبیر اسلامی ندوشن "عاشق شده است و چون در عشق ناکامروا بوده، چه بسا که خواسته است با سرودن یک داستان عشقی کامیاب، جبران ناکامی خود را کرده باشد" (همان: ۲۰۲). این داستان و شخصیت‌های آن به گونه‌ای ماهرانه به رشته نظم درآمده است که با دقت در احوال روحی هریک از شخصیت‌های داستان، می‌توان آن‌ها را با نظریه‌های روان‌شناسان مورد ارزیابی قرار داد؛ از جمله این شخصیت‌ها در این منظومه، همین شخصیت غنی و سرشار ویس است.

#### ۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

شخصیت ویس در این منظومه غنایی با توجه به حضور پویا و پررنگش، به گونه‌ای پرداخت شده است که می‌توان آن را با توجه به نظریه آدلر از لحاظ رفتاری به عقده حقارت تحلیل کرد. از آن جا که علل و عوامل متعددی باعث شکل‌گیری و بروز عقده حقارت می‌شود، بررسی واکنش ویس برای جبران و مطابقت این عوامل با نظریه آدلر درباره عقده حقارت سؤال اصلی این پژوهش است. به عبارت دیگر، این پژوهش سعی دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- نشانه‌های رفتاری عقده حقارت در ویس کدامند؟

- چه عواملی باعث ایجاد عقده حقارت و کهنترانگاری در درون ویس گردیده‌اند؟

- سازوکارهای رفتاری ویس برای جبران این عقده طی داستان چه بوده‌اند؟

### ۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف تحقیق حاضر، بررسی و شناسایی علل و عوامل عقده حقارت در وجود ویس با دقت در حوادث و اطوار زندگانی او در منظومه ویس و رامین بر اساس نظریه روان‌شناسانه آدلر است. از آن جا که انجام چنین پژوهش‌هایی چون منطقی‌نو در بررسی آثار ادبی، از جمله منظومه ویس و رامین می‌باشد؛ بنابراین خود گامی در جهت توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های تازه گردیده، در نتیجه راهی در وحدت‌بخشی به دانش در حوزه علوم انسانی باشد. جالب آن که این نکته از نظر خود آدلر نیز مورد تأکید قرار گرفته است آن جا که گفته است: "سرایندگان بزرگ جهان ادب به بسیاری از نکات مهم روان‌شناسی عمقی پی برده‌اند و این نکته‌ها در ترکیب خالص و اصیلی که آن‌ها به شخصیت‌های زنده و فعال آثار خود بخشیده‌اند، قابل دید است آن طور که می‌توان از برآورد آن‌ها به مجموعه مسائل انسان رسید" (آدلر، ۱۳۷۰: ۲۲۷).

### ۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی بر عقده حقارت در شخصیت ویس، با نگاه به نظریه روانشناسی آلفرد آدلر متمرکز است. بنابراین روش انجام این تحقیق بدین گونه است که پس از معرفی آدلر و نظریه عقده حقارت او به تحلیل شخصیت ویس و توصیف ویژگی‌های او در ارتباط با این نظریه؛ همچون نادیده گرفته شدن، حسادت و رشک، برتری‌جویی و... پرداخته شده است که در نهایت وجود چنین عقده‌ای را در ویس برای خواننده ملموس‌تر می‌نماید.

### ۴-۱- پیشینه تحقیق

از جمله آثار مستقلی که در باره ویس و رامین انجام گرفته است، می‌توان به مقاله استاد اسلامی ندوشن در کتاب جام جهان بین با عنوان: آیا ویس و رامین یک منظومه ضد اخلاق است؟ (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۵: ۲۹۰)، اشاره کرد. هم‌چنین، می‌توان مقاله‌های زیر را نام برد: "تحلیل روانشناختی کهن الگوی مادر در منظومه ویس و رامین" به تحقیق کاظم خانلو؛ رادمرد و علی نژاد زارعی (۱۳۹۴)، که در آن شخصیت دایه در صورت مثالی مادر، در کهن الگوهای مانند

سایه و نیز شخصیت مادر رامین در معنای مثبت این کهن الگو و هم‌چنین اسب و آتشگاه محل عبادت رامین مورد بررسی قرار گرفته است. نیز مقاله "نقش زنان در دو داستان تریستان و ایزوت و ویس و رامین" به کوشش شاد آرام و شریفی ولدانی" (۱۳۸۹)، در این پژوهش کوشش شده است تا با بررسی و مقایسه تطبیقی شخصیت‌های مؤنث دو داستان، وجوه اشتراک و افتراق این دو افسانه و تفاوت‌های فرهنگی زمینه‌ساز آن‌ها بهتر مشخص شود. دیگر مقاله "بررسی روان‌شناختی سه منظومه غنایی فارسی خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ویس و رامین" به قلم اقبالی و قمری گیوی (۱۳۸۳)، در این پژوهش سه فرضیه مطرح شده و درجه انطباق مفاهیم روان‌شناختی موجود در این آثار با رویکرد روانکاوی فروید و رویکرد روان‌شناسی تحلیلی یونگ و نیز با ویژگی‌های شخصیتی نویسنده - که خود مفهوم روانکاوانه دارد - بررسی گردیده است. گفتنی است در زمینه بررسی روان‌شناسانه شخصیت‌های این داستان، کار چندانی صورت نگرفته است.

## ۲- خلاصه داستان ویس و رامین

شاه شاهان «شاه موبد» که شاهان فرمانبردار او بودند با «شهر» ملکه‌ی زیبای ماه آباد عهد بست که اگر صاحب دختری شد او را به نامزدی شاه موبد درآورد. از شهر ویس به دنیا آمد و مادر پیمان شکنی کرد و دخترش را به برادرش «ویرو» داد. لیکن شاه موبد به جنگ برخاست و چون با جنگ بر او غلبه نکرد به حيله متوسل شد و ویس را از دژ بیرون کشید و به خراسان برد. در راه رامین برادر جوان موبد به ویس دل باخت و ویس هم چندی بعد عاشق رامین شد و هر دو از دست شاه موبد گریختند در ادامه یک سلسله حوادث پیاپی میان رامین و موبد و ویس رخ داد تا این که شاه موبد درگذشت و رامین به جای برادر بر تخت نشست و سالیان دراز با ویس بزیست و چون ویس درگذشت رامین پادشاهی را به پسر داد و خود در آتشکده معتکف شد.

## ۲-۱- معرفی آدلر

آلفرد آدلر ( ۱۸۷۰-۱۹۳۷ ) در هفتم فوریه سال ۱۸۷۰، در رودلف هایم، حومه شهر وین، در خانواده‌ای از طبقه متوسط متولد شد. وی در سال ۱۸۹۵ میلادی به دریافت درجه دکترای پزشکی از دانشگاه وین و سپس به دریافت درجه تخصصی در رشته چشم پزشکی نائل آمد. آدلر، بعدها در روان‌پزشکی نیز تخصص گرفت و یک جهت‌گیری اجتماعی را در زمینه روان‌شناسی و

روان‌درمانی تعقیب کرد. آدلر در سال ۱۹۰۲م، به درخواست فروید به عضویت انجمن روانکاوان وین درآمد. اما از سال ۱۹۱۱ شروع به انتقاد از نظریات فروید کرد و به تدوین عقاید جدید خود پرداخت که با عقاید فروید و دیگر روانکاوان جامعه وین مغایرت داشت. آدلر برخلاف فروید که ناخودآگاه را در رفتار فرد مؤثر می‌دانست، به خودآگاه معتقد بود. البته غریزه جنسی را به طور کامل رد نمی‌کرد، اما معتقد بود میل به پیشرفت و برتری امری ذاتی و فطری است که یکی از عوامل آن غریزه جنسی است و عامل اصلی آن عقده حقارت است. آدلر پس از عمری پربار و آثاری بسیار، سرانجام در سال ۱۹۳۷م، در اسکاتلند، در حالی که برای سخنرانی به آن جا مسافرت کرده بود، بر اثر سکته قلبی در گذشت ( کریمی، ۱۳۸۴: ۹۱).

مفاهیم اساسی در نظریه آدلر به شرح زیراند:

#### ۲-۱-۱- احساس حقارت *Inferiority feeling*

آدلر معتقد بود، همه افراد در تجربه‌های نخستین‌شان در جریان مقایسه خود با جهان اطراف، دچار احساس ضعف و ناتوانی می‌شوند. کودک عملاً می‌بیند که در اطراف او، افرادی مستقل و نیرومند زندگی می‌کنند که قادرند به میل و اراده خود، به انجام هر کاری اقدام کنند. در حالی که او در کلیه امور زندگی، حتی رفع نیازهای ابتدایی خویش، نیازمند دیگران است. بنابراین احساس حقارت در وی ایجاد می‌شود. فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند و جبران حقارت‌های خویش (خواه واقعی باشند یا خیالی) تلاش می‌کند به برتری دست یابد (احمدوند، ۱۳۸۶: ۳۲). به عقیده آدلر، احساس‌های حقارت، گریزناپذیرند و مهم‌تر این که، ضروری هستند. زیرا به وجودآورنده انگیزه اساسی برای تلاش، رشد، پیشرفت و موفقیت‌اند. در واقع احساس حقارت اگر از حد تجاوز نکند، سبب پیشرفت و ترقی آدمی است (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۴۴). بر این اساس با توجه به نظریه آدلر می‌توان گفت، از نظر آدلر، احساس حقارت در وجود همه افراد مشترک است و نشانه کاستی و نابهنجاری نیست.

#### ۲-۱-۲- عقده حقارت *inferiority complex*

فرد دارای این عقده برای رسیدن به برتری و قدرت به هر حيله پست و بی ارزشی دست می‌زند، که شامل تحمیل نمودن کارها و وظایف ناخوشایند، مطالبه خواسته‌های غیرواقعی و توهمی، پرتوقع بودن از دیگران، مقصر دانستن دیگران نسبت به اشتباهات و قصورهای خود، تشویش و

هراس داشتن و اصولاً هر راهکار دیگری که ظاهراً حقارت وی را به صورت سود و منفعتی برای وی تبدیل نماید (ایون و ارلبام، ۲۰۰۳: ۱۰۲). از نظر آدلر هنگامی که فرد نتواند بر احساس حقارت خود غلبه کند، این حس تقویت و تشدید و منجر به شکل‌گیری عقده حقارت می‌شود. او معتقد است افرادی که عقده حقارت دارند نظر نامناسبی درباره خود داشته و احساس می‌کنند قادر نیستند با ضروریات زندگی کنار بیایند. آدلر این وضعیت را به شکل "ناتوانی در حل مشکلات زندگی" تعریف می‌کند. وی معتقد است که عقده حقارت به سه شیوه می‌تواند در کودکی شکل گیرد: ۱- حقارت جسمانی ۲- لوس کردن ۳- نادیده گرفتن (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

### ۲-۱-۳- حقارت جسمانی

پژوهش درباره حقارت جسمانی، اولین تلاش علمی آدلر بود. این تحقیق زمانی انجام شد که او هنوز همکار فروید بود و فروید این عقیده آدلر را تأیید کرد. آدلر معتقد بود کودکی که ضعف یا نقص جسمانی دارد، ممکن است که ناتوانی‌اش را در مدار توجه قرار دهد و برای کسب توانایی برتر تلاش کند. آدلر بر آن بود که اگر این تلاش‌های جبرانی موفقیت‌آمیز نباشند، عقده حقارت در فرد شکل می‌گیرد. او نتیجه گرفت که اعضای ناقص بدن، شخصیت را از طریق تلاش‌های فرد برای جبران کردن این نقص یا ضعف شکل می‌دهند؛ درست همان‌گونه که آدلر نرمی استخوان، یعنی حقارت عضوی سال‌های کودکی خود را در نوجوانی با روی آوردن به ورزش جبران کرد. جبران افراطی یا فوق جبران هم این است که فرد نه تنها مشکل خود را جبران می‌کند بلکه سعی می‌کند بهتر و بالاتر از دیگران قرار گیرد" (ناصری و ریسی، ۱۳۸۶: ۵۸).

### ۲-۱-۴- لوس کردن

لوس کردن کودک نیز می‌تواند موجب عقده حقارت شود. کودکان نازپرورده کانون توجه خانواده هستند، هر درخواست و نیاز آن‌ها برآورده شده، چیزی از آن‌ها دریغ نمی‌شود. این کودکان نازپرورده به این علت که چیرگی بر مشکلات و سازگاری با دیگران را نیاموخته‌اند، هنگامی که در زندگی با مانعی برخورد کنند به این باور می‌رسند که دچار نقایصی شخصی هستند که باعث ناتوانی و ناکامی‌شان شده است؛ به این ترتیب جنین کودکی دچار عقده حقارت می‌شوند.

### ۲-۱-۵- نادیده گرفتن

کودکی که به علت بی‌تفاوتی و عدم توجه والدین یا حالت خصمانه آن‌ها، نیازهای عشق و

ایمنی‌اش ارضا نشده، احساس بی‌ارزشی می‌کند و عقده حقارت در او شکل می‌گیرد. در واقع کودکانی که ناخواسته متولد و یا از طرف اطرافیان طرد می‌شوند، ممکن است عقده حقارت را در خود پرورش دهند. چنین کودکانی بی‌اعتنا یا متخاصم هستند؛ در نتیجه این کودکان احساس بی‌ارزش بودن یا حتی خشم را در درون خود پرورش می‌دهند و در تعامل با اطرافیان از اعتماد به آن‌ها اجتناب می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۴). نقطه مقابل عقده حقارت، عقده برتری است که در ذیل به این مفهوم از دیدگاه آدلر اشاره می‌کنیم:

#### ۲-۱-۶- اصل برتری جویی

انسان برای از بین بردن احساس حقارت دائم در تلاش است و سعی دارد به مرتبه‌ای بالاتر و بهتر از آنچه که هست، دست یابد؛ بنابراین ریشه برتری‌جویی، احساس حقارت است و این دو اصل از هم تفکیک ناپذیراند (کارور، ۱۳۸۷: ۴۶۰). آدلر، برتری‌جویی را اصیل‌ترین انگیزه زندگی و عاملی برای وحدت بخشیدن به شخصیت، کوشش در بهتر و کامل تر شدن شخص و به فعل درآوردن استعدادها بالقوه‌اش می‌داند. منظور آدلر از برتری‌جویی، تسلط و ریاست بر دیگران نیست، بلکه انگیزه‌ای است که انسان را از هنگام تولد تا آخرین لحظه زندگی، از مرحله‌ای به مرحله دیگر پیش می‌برد و جنبه اجتماعی او را تقویت می‌کند (کریمی، ۱۳۸۴: ۹۳).

آدلر برتری‌جویی را، مترادف با واژه کمال (perfection) می‌داند و معتقد است انسان‌ها در سراسر زندگی خود برای رسیدن به کمال تلاش می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

#### ۲-۱-۷- عقده برتری superiority complex

از نظر آدلر این امکان وجود دارد که یک فرد در مقابل احساس حقارتش، به جبران مضاعف گرایش پیدا کند و دچار عقده برتری شود. در این حالت، فرد گرایش به تکبر و سلطه‌جویی دارد و تصویری اغراق‌آمیز از توانایی‌ها و پیشرفت‌هایش پیدا می‌کند.

منع عقده، هرچه باشد ممکن است شخص را به جبران افراطی وادار کند و چیزی را که آدلر عقده برتری نامید، پرورش دهد. فرد در این حالت، درباره توانایی‌ها و موفقیت‌های خود اغراق می‌کند؛ چنین فردی ممکن است درون خود احساس رضایت و برتری کند و نیازی به آشکار نمودن برتری خود یا دستاوردها و موفقیت‌هایش نشان ندهد، یا این که ممکن است چنین نیازی را احساس

کند و بکوشد تا شدیداً موفق شود (همان: ۱۴۵). "به هر حال اگر آدمی برای جبران عقده کم‌بینی، طریقه مثبت و سزاواری پیش گیرد هم خود پیش می‌رود و هم به جامعه سود می‌رساند (از قبیل اختراعات و آفرینش‌های هنری و فعالیت‌های اجتماعی) و اگر طریقه منفی و ناسزایی را پیش می‌گیرد، هم به خود و هم به جامعه آسیب می‌رساند. (از قبیل قتل و غارت و جنگ و خودکشی)" (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۶).

### ۳- تحلیل شخصیت ویس بر اساس نظریه عقده حقارت آدلر

شخصیت، بازیگر داستان است و در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آن چه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته است ( میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۹۹). ویژگی‌های شخصیت در یک فرد، هم می‌تواند منحصر به فرد باشد و هم وجوه مشترکی بین افراد داشته باشد. منحصر به فرد بودن یعنی هر فردی الگوهای شخصیتی متفاوتی دارد (راس، ۱۳۷۸: ۱۶).

ویس در منظومه فخرالدین اسعد گرگانی، شخصیتی کاملاً پویا و فعال دارد که "آزادی، قدرت عمل، شجاعت، گستاخی، میل به انتخاب و برخورداری از روحیه زیباپرستی و خوش باشی از مهم‌ترین ویژگی‌های ویس در این منظومه است" ( شاد آرام، شریفی ولدانی، ۱۳۸۹: ۸۱۲). بیشتر بار مشکلات و ننگ رسوایی حاصل از عشق ممنوع نیز بر دوش اوست؛ او در آخر داستان، تبدیل به زنی پخته و باوفا برای شوهر دلخواهش، رامین، می‌شود؛ لذا در مجموع هیچ نکته مبهمی در شخصیت او نیست، یک هدف را می‌خواهد و با تمام وجود آن را دنبال می‌کند.

با توصیفات دقیق که فخرالدین اسعد گرگانی در مورد حالات روحی، شک و دودلی‌ها، ترس و تردیدهای ویس در داستان ارائه کرده است، تا حد زیادی شناخت شاعر از روان و درونیات ویس و پیچیدگی‌های آن را آشکار می‌سازد.

در واقع ویس زنی است بسیار طبیعی و کاملاً واقعی که وجودش با تکاپو و زندگی ارتباط دارد و افزون بر روحیه انتخاب‌گری، حس انتقام نیز در وی بسیار نیرومند است. او ذاتاً زنی عفیف و پاکدامن است و چون دایه او را به دوستی با رامین تشویق می‌کند، بارها دایه را دشنام می‌دهد و به سختی تسلیم می‌شود؛ این تسلیم شدن ویس را می‌توان نوعی انتقام‌جویی از مردی دانست که او را از شوهر مورد علاقه اش بازداشته، حتی پدرش را کشته و وی را به اجبار از زادگاهش دزدیده



است. گفتنی است انتقام، خود از جمله جبران‌های احساس کهنتری است که فرد را وادار می‌کند بر اثر عیوب خود از دیگران انتقام بگیرد (منصور، ۱۳۵۸: ۵۰).

خصلت دیگر ویس شجاعت اوست. چون شاه موبد از زیبایی‌های مرو برای ویس سخن می‌گوید، ویس بدون هیچ ترسی در حضور او چنین پاسخ می‌دهد:

مر او را گفت شاها مرو آباد  
اگر نیک است و ر بد مر تو را باد...  
تو را از بهر رامین می پرستم  
که دل در مهر آن بی مهر بستم  
( اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۳۸-۱۳۷ )

این پاسخ از اعتماد به نفس فوق‌العاده ویس ناشی می‌شود. او گناه خود را موجه و بحق می‌داند. ویس از رعنائی و شوخ‌چشمی بی برخوردار است که می‌توان آن را هم به تربیت خاص دوران کودکی‌اش نزد دایه نسبت داد. او به خوبی می‌داند که پیش از طلسم دایه، زیبایی و دلفریبی او شاه موبد را افسون کرده و گرفتار ساخته است؛ بنابراین دلیلی برای ترس و دوراندیشی نمی‌بیند. دلدادگی و توانایی‌اش در نا سازگاری با موبد، از ویژگی‌های نیروی دوره جوانی او است. با آن که ویس از یک نظر محکوم به تصمیمی است که قبل از به دنیا آمدنش درباره او گرفته شده و خود در این باره هیچ نقشی نداشته است، اما در موقعیت‌های حساس و بحرانی از نیروی تدبیر و شخصیت و کلام گیرایش استفاده می‌شود. آن چه درباره ویس اهمیت فراوان دارد، داستان زندگی اوست، که درست مطابق نظریه آدلر نمادی از عقده حقارت است که گاهی به خاطر جبران این کهنتر انگاری به برتری‌جویی روی می‌آورد و در برابر موبد سر به طغیان می‌نهد.

در واقع با بررسی داستان مشخص می‌شود آن چه که در مورد ویس بیش از هر چیز دیگری در داستان آشکار است این است که ویس، تمام وجود و افکار و احساسات خود را در خدمت رسیدن به وصال رامین و خیانت به موبد، به کار گرفته است و این خود نتیجه یک عقده در این شخصیت است که به آن می‌پردازیم.

### ۳-۱- حقارت جسمانی

پیش از این اشاره کردیم، عقده حقارت (Inferiority complex) یا کهنترانگاری که باعث می‌گردد فرد خود را از دیگران حقیرتر تصور نماید، از جمله احساسات ناخوشایند است که باعث می‌شود فرد در مقایسه خود با دیگر افراد پیرامون خویش، گمان کند که در وضعیت پایین‌تری از آن‌ها قرار دارد.

منشاء این احساس ممکن است جسمی باشد. گاهی کمبودهای ظاهری مانند کوتاهی قد، زشتی صورت، نیز نقص عضو در به وجود آمدن این عقده مؤثرند. در منظومه ویس و رامین، همواره زیبایی ویس مورد ستایش و تمجید واقع می‌شود:

به چهره آفتاب نیکوان بود      به غمزه اوستادجاودان بود (همان: ۴۸)

ویس زنی زیبا و به لحاظ جسمی سالم و کاملاً طبیعی است. بنابراین در مورد ویس حقارت جسمانی سبب تقویت یا به وجود آمدن عقده حقارت در وی نمی‌گردد.

### ۳-۲- نادیده گرفته شدن

یکی از علل ایجاد عقده حقارت در شخصیت ویس، نادیده گرفته شدن وی از سوی اطرافیان او است. با توجه به نظریه عقده حقارت آدلر ودقت در داستان ویس و رامین، می‌توان نشانه‌های عقده کم‌بینی و اثرات روحی و روانی آن را در وجود ویس یافت. ویس بیش از هر چیز به عقده حقارت روانی و ذهنی گرفتار است که از جمله این حقارت‌ها موارد ذیل است:

#### ۱-۳-۲- نادیده گرفته شدن از سوی مادر

آدلر معتقد است که همه انسان‌ها در زندگی خود و البته با ذهن خود، از کمبودهایی که می‌تواند منجر به احساس حقارت شود، رنج می‌برند. این کمبودها را می‌توان شامل کمبودهای اجتماعی، خانوادگی، مادی و نقص‌های بدنی یا ذهنی دانست. اشاره کردیم که مطابق داستان، در وجود ویس کمبودهای بدنی و ناتوانی عضوی وجود ندارد که به عقده حقارت منجر شود؛ اما کمبودهای معنوی در زندگی او دیده می‌شود. وی از همان ابتدا با نادیده گرفته شدن از سوی والدین مواجه است. مادر ویس، شهرو، که از روزگار جوانی عبور کرده و پیر شده است، از همان آغاز با نادیده گرفتن کودکی که هنوز متولد نشده برای او تصمیم می‌گیرد و با موید پیمان می‌بندد و حتی در کودکی او را به دایه می‌سپارد و گویی فراموش می‌کند سراغی از او بگیرد تا جایی که وقتی ویس نزد دایه بزرگ‌تر می‌شود، دایه نامه‌ای می‌نویسد و مادر ویس، شهرو، را سرزنش می‌کند که چرا سراغ فرزندش را نمی‌گیرد:

نه بر فرزند، جانت مهربان است      نه بر آن کس که وی را دایگان است

نه فرزند نیازی را نوازی      نه بر دیدار او یک روز نازی (همان: ۵۰)

ویس از همان اوان کودکی در نزد دایه بزرگ و تربیت می‌شود و والدین نقشی در تربیت وی

ندارند. ویس بیش از آن که مورد توجه والدین خود باشد، مورد غفلت آنهاست، تا آن جا که دایه بعد از بزرگ شدن ویس نامه‌ای به مادرش می‌نویسد و به او یادآور می‌شود که ویس فرزند اوست، پس بهتر است توجه بیشتری به او نشان دهد و برای بردنش به نزد خود اقدام کند:

که من زین بیش او را برنتابم همان چیزی که می‌خواهد نیابم (همان: ۵۰)

### ۲-۳-۲- نادیده گرفته شدن از سوی موبد

علاوه بر نادیده گرفته شدن از سوی مادر در کودکی، از دیگر عوامل ایجاد عقده حقارت و کهترانگاری در ویس، نادیده گرفته شدن او در جوانی از سوی موبد به خاطر خوی قدرت‌طلبی و طمع‌ورزی موبد است که سرآغاز آن فرستادن زرد، برادر و وزیر موبد، به طلب ویس و یادآوری عهد و پیمان گذشته به شهر و مادر ویس بود.

کنون سوگند و پیمان را مفرموش به جا آور وفا در راستی کوش (همان: ۵۵)

می‌توان گفت: در جریان ازدواج ویس جوان و موبد پیر آن چه بیش از همه نمود پیدا می‌کند و تا پایان نیز ادامه می‌یابد، عقده حقارت است که حاصل آن خیانت و فریب‌کاری ویس است؛ زیرا موبد ویس را به زور با خود می‌برد و او دور از مادر و برادر و دیار خود روز و شب اشک می‌ریزد و از زندگی امید می‌برد، که البته با وساطت دایه و به میان آمدن عشق رامین این عقده بیشتر رنگ می‌گیرد و در ویس قوی‌تر و محکم‌تر می‌شود؛ چنان که بعضی از تصمیمات و کنش‌های او تحت تأثیر همین عقده است که حتی وقتی موبد او را تهدید به کیفر و مجازات می‌کند او در پاسخ می‌گوید:

کنون خواهی بکش خواهی برانم و گر خواهی بر آوردیدگانم...

که رامینم گزین دو جهانست تنم را جان و جانم را روانست (همان: ۱۳۳)

دیگر کار از کار گذشته است و ویس به هیچ عنوان از احساسی که تمام وجودش را در بر گرفته، بر نمی‌گردد. ویس حتی برای کامیابی کامل در این عقده، رامین را نیز برمی‌انگیزد که در برابر موبد نافرمانی و مقابله کند و پس از رسیدن به این مقصود و در نهایت با مرگ موبد؛ هشتاد و یک سال با رامین زندگی می‌کند.

### ۳-۳- از دست دادن پدر

از دست دادن نعمت‌های بزرگ از قبیل پدر، مادر و همسر، می‌تواند یکی از عوامل ایجاد عقده

حقارت شود. پدر ویس در جنگی که موبد به راه می‌اندازد کشته می‌شود:

گرامی باب ویسه گرد قارن      به زاری کشته شد بر دست دشمن (همان: ۶۵)

ویس به خاطر از دست دادن پدر در باطن خود نوعی ضعف احساس می‌کند و این احساس در ذهن او سبب ایجاد عقده می‌گردد، به گونه‌ای که احساس تنفر و دشمنی او نسبت به موبد، همواره در وجودش باقی می‌ماند همان‌گونه که بعد از کشته شدن پدر در جواب موبد می‌گوید:

میان ما چو این کینه درافتاد      نباشد نیز مارا دل به هم شاد  
اگر چه پادشاه و کامرانی      ز دشمن دوست کردن چون توانی؟ (همان: ۷۱)

### ۳-۴- شکست در عشق ویرو

مادر ویس، شهر و، پیش از آمدن زرد، برادر موبد، جهت یادآوری عهد و پیمانش با موبد شاه و تسلیم ویس به او؛ ویس را به نکاح برادرش، ویرو، درآورده است. ویس به ویرو علاقه دارد، از این رو هنگامی که توسط موبد ربوده می‌شود به خاطر جدایی از ویرو، شب و روز اشک می‌ریزد و در فراق یار و دیار مدت‌ها محزون است:

به ویرو خویشتن را چون رسانم      ز موبد جان خود را چون رهانم...  
پدر مرد و برادر شد ز من دور      بماندم من چنین ناکام و رنجور  
(همان: ۶۸)

### ۳-۵- لوس کردن

ویس، از آغاز زندگی تا پایان؛ مورد علاقه و توجه بسیار زیاد دایه خود است و همواره دایه در همه مراحل زندگی همراه اوست. همین توجه بیش از حد دایه به ویس و کمک‌های فراوان او، در تقویت عقده حقارت در ویس اثر دارد، چنان که دایه به هنگام رفتن به مرو برای یافتن ویس، چنین اظهار بی‌قراری می‌کند:

مرا دیدار تو ایزد چو جان کرد      ابی جان زندگانی چون توان کرد  
مبادا در جهان از من نشانی      اگر بی تو بخواهم زندگانی (همان: ۸۶)

### ۳-۶- عقده برتری superiority complex

پیش از این اشاره کردیم که یکی از شیوه‌های جبران عقده حقارت به صورت جبران افراطی

می‌شود و ممکن است منجر به ایجاد عقدۀ برتری گردد. در منظومه فخرالدین اسعد، این شیوۀ جبران در شخصیت ویس به صورت جانشین‌سازی رامین در برابر موبد اتفاق می‌افتد. عقدۀ برتری جویی، ریشه و اساس بسیاری از احساسات و کارهای ناهنجار است. ویس به دلیل پیمانی که مادرش و موبد قبل از به دنیا آمدنش بر سر او بسته و ازدواجی ناخواسته را بر وی تحمیل کرده بودند، دچار عقدۀ حقارت بود. این عقدۀ که طی داستان، بر اثر آن چه که بعداً رخ می‌دهد، منجر به "جبران" (یا جانشین‌سازی) از سوی ویس می‌گردد و ویس، سرانجام در برابر موبد راه ستیز و خیانت پیش می‌گیرد. بر اساس داستان، از نشانه‌های عقدۀ برتری در ویس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۳-۶-۱- عشق به رامین

ویس می‌خواهد خود درباره عشق تصمیم‌گیرنده باشد و انتخاب از پیش تعیین شده را نمی‌پذیرد، پس با تحریک دایه عشق رامین را بر می‌گزیند. ویس به رامین علاقه بسیار دارد که عقدۀ برتری را در او شکل می‌دهد. بنابراین بی‌پروا از این عشق دم می‌زند و از این کار لذت می‌برد. به همین دلیل ویس هیچ‌گاه از خیانت نسبت به موبد، احساس ندامت نمی‌کند و حتی لحظه‌ای پشیمان نمی‌شود و در جواب موبد به خاطر انتقاد از عشقش به رامین این گونه می‌گوید:

اگر دیدار رامین را نبودی تو نام ویس از آن گیهان شنودی (همان: ۱۳۷)

عشق ویس به رامین در واقع جایگزین ازدواج تحمیلی او با موبد پیر است. از آن جا که موبد پادشاهی و فرمانروایی را داشت ولی جوانی ویس و پافشاری او در انتخاب خود عقدۀ برتری را در ویس تقویت می‌کند و حتی در این مسیر خود را نیز به خطر می‌اندازد.

### ۳-۶-۲- حسادت و رشک

از آن جا که ویس جوان با همه مشکلات و حوادثی که برایش اتفاق می‌افتد فقط و فقط خواهان عشق رامین است و بر عقیده و تصمیم خود استوار می‌ماند، پس طبیعی است که وی از رامین انتظار واکنشی مشابه داشته باشد و جز عشق از او چیزی نخواهد. از همین رو وقتی رامین به مرزبانی کشور ماه می‌رود و با گل دختر "رفیدا" ازدواج می‌کند؛ (ر.ک، اسعد گرگانی: ۲۴۲) این عروسی واقعه‌ای است که انگیزه حسادت و رشک را در او نمایان می‌نماید:

مرا کام جهان با رام خوش بود  
کنون چون رام رفت از کام چه سود ...  
به لابه خواهم از دادار گیهان  
که رامین گردد از کرده پشیمان (همان: ۲۴۹)

ویس احساس می‌کند که از جایگاه برتر خویش فرو افتاده است. در نتیجه ناامیدانه عجز و حقارت را در خود می‌بیند و حسادت و رشک فراوان باعث می‌شود که او در صدد جبران عقده حقارت خود برآید، پس دایه را به سوی رامین روانه می‌کند؛ ولی رامین او را از خود می‌راند. ویس که از فراق و رشک به ستوه آمده است، ده نامه معروف خود را می‌نویسد و سرانجام رامین شوریده و سراسیمه به سوی او باز می‌گردد (ر.ک: ۲۵۳-۳۰۲). از دیگر شیوه‌های واکنش به عقده حقارت از سوی ویس در طول داستان، اظهار رفتارهای متناقض از سوی وی است.

### ۳-۶-۳- تناقض رفتاری

فرد دارای عقده حقارت، هر کجا شرایط را آماده ببیند، یک مستبد خودکامه است. اگر سر به زیر و فروتن است، فقط برای دست یافتن به اریکه قدرت است. در این راه اگر لازم ببیند به زانو می‌افتد، زمین را نیز می‌بوسد و این را به آن امید و آرزو انجام می‌دهد که روزی از فراز تخت قدرت، شاهد زانو زدن دیگران و ناکامی آن‌ها باشد. تمام این تناقض‌گویی‌ها به مانند عناصری هستند که در مجموع یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهند و در موقعیتی رفتار چنین فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اسپربر، ۱۳۷۹: ۳۶). در واقع این رفتارها از طرف فرد دچار آمده به عقده کهنتر انگاری، برای جبران این عقده سر می‌زند.

ویس در عشق کاملاً مستبد رفتار می‌کند و با سرکشی تمام جز به انتخاب خود، به چیز دیگری اهمیت نمی‌دهد. او در برابر رامین شیفته و همدل و در برابر موبد نافرمان و سرکش است؛ برای دست‌یابی به خواسته خود به موبد دروغ می‌گوید و او را فریب می‌دهد و حتی در ماجرای مانند آگاهی موبد از گریختن او به همراه رامین از دز اشکفت و وصال و کامجویی در باغ، ویس برخلاف رفتارهای قبلی که جسورانه از خود دفاع می‌کرد و عشقش به رامین را اظهار می‌ساخت، این بار در پاسخ به نصیحت و سرزنش موبد متعهد می‌شود که بر سر پیمان‌ش با موبد باقی بماند و زین پس خلافی نکند.

اگر رامین ازین پس شیر گردد      نپندارم که بر من چیر گردد...  
 پذیرفتم هم از تو هم ز یزدان      که هرگز نشکنم این عهد و پیمان  
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۳)

گرچه این اقرار به التزام پیمان نیز، از طرف ویس به حقیقت نمی پیوندد. در واقع این اقدام ویس، جز پیمانی سست با موبد نیست چرا که ویس ازفراق رامین به بستر بیماری می افتد و طولی نمی کشد که این عهد و پیمانش را با موبد به دست فراموشی می سپارد:

من اندر جستن رامم همه سال      فدا کرده دل و جان و سر و مال (همان، ۲۵۶)

### ۳-۷- خود خلاق creative self

یکی از شیوه های جبران عقده کم بینی به کار انداختن قوه خلاقیت و ابتکار است؛ به اعتقاد آدلر، شخصیت آدمی فقط از استعداد های ذاتی و تأثیرات محیط خارجی و تعامل بین این عوامل شکل نمی گیرد، بلکه خلاقیت و ابتکاری نیز در این میانه وجود دارد. بدین معنی که انسان برای ار ضای میل به برتری جویی خود، عوامل زیستی و اجتماعی را به صورت خلاقانه و ابتکاری در تجارب تازه به کار می گیرد (کریمی: ۱۳۸۴ : ۹۵).

آدلر معتقد بود، سبک زندگی در بهترین صورت خود شامل روشی خلاق و مثبت است که به فرد اجازه می دهد انرژی های خود را در راه های مثبت و سازنده به کار اندازد ( کریمی: ۱۳۸۵، ۱۹۸).

در منظومه فخرالدین اسعد، ویس در ناز و خوشی پرورش می یابد و از همان کودکی روحیه استقلال طلبی و انتخاب در او پیدا است. او به آسانی در برابر ازدواجی که به اجبار بر او تحمیل شده تسلیم نمی شود، چاره اندیشی می کند، به خطر می افتد، رنج می کشد و در نهایت به کام و خواسته خود می رسد.

اگرچه ویس برای رسیدن به خواسته خود دروغ می گوید، فریب می دهد، فرار می کند و همان طور که اشاره شد همواره با موبد در تناقض و ناراستی است؛ همه این ها بیان گر این است که رفتار متناقض و ناسازگار ویس با موبد ناشی از ترسی است که در درون او وجود دارد چرا که هرگاه "ترس در اعماق ضمیر فرد خانه کند و از گروه آدم های ستیزه جو و متجاوز باشد، در این صورت برای رهایی از احساس ترس و حقارت و تحمیل شخصیت خویش بر دیگران، رفتاری

جسارت‌آمیز و تجاوزکارانه از خود نشان می‌دهد. این گونه افراد ظاهری پرخاشگر، زورگو و متکبر پیدا می‌کنند، خودستا و گزافه‌گو و مدعی و طلبکار می‌باشند" (منوچهریان، ۱۳۶۲: ۱۴).

### ۳-۸- خودآگاهی Self-awareness

"خودآگاهی مرکز شخصیت است. آدمی فردی است خودآگاه و همه اهمیت او به خودآگاهی اوست" (سیاسی، ۱۳۷۹: ۹۴).

آدلر وجود ضمائر "نیمه آگاه" و "ناخود آگاه" را در انسان نفی کرد و اعتقاد داشت که "خودآگاهی" در شکل‌گیری شخصیت انسان نقشی عمده دارد. در واقع انسان از اعمال خود، آگاهی دارد و می‌داند چه کند، چرا می‌کند و هدف او چیست. می‌تواند هدفی را پیش‌رو داشته و برای رسیدن به آن کوشش کند و راه رسیدن به هدف‌ها را آگاهانه برگزیند (کریمی؛ ۱۳۸۴، ۹۴). ویس نیز در داستان و در جریان حوادث، کاملاً آگاهانه رفتار می‌کند و رامین را می‌خواهد و هدف او از تمام واکنش‌هایی که نشان می‌دهد یعنی دروغ گفتن، فریب‌کاری و خیانت، رسیدن به عشق رامین است و بس. ویس از معدود زنانی است که آگاهانه قدم در راه یک عشق ممنوع می‌نهد، عشقی که با ممانعت و مخالفت بسیاری روبرو می‌شود ولی هرگز از بین نمی‌رود تا این که به سرانجام می‌رسد.

### ۴- نتیجه

در داستان ویس و رامین، عشق ممنوع در جهت جبران عقده نهفته در ویس، به خوبی هر چه تمام‌تر به تصویر کشیده می‌شود. فخرالدین اسعد با موقعیت‌پردازی، فضاسازی‌های مناسب و بهنگام، هنرمندانه این وضعیت را به رشته نظم کشیده است. آن چه به صورت واضح در داستان ویس و رامین از نگاه روانکاوانه آدلر به دست می‌آید، بیان‌گر جنبه‌های مختلف اعمال و رفتار ویس است که سعی شد برخی از جنبه‌های شخصیت ویس با نگاه روانکاوانه آدلر بیان شود. جنسیت و تفاوت او با دیگر هم‌جنسان خود در برخورد با چالشی که در عشق برایش پیش می‌آید؛ عشق ممنوع او به رامین و نگاه منفی موبد و محیط به این مقوله از یک سو، و بروز رفتارهای روان‌رنجورانه مکرر، واکنش‌های جبرانی ویس برای بازسازی موقعیت‌های از دست رفته از سوی دیگر و سرانجام برتری او بر موبد، خود گواه مستندی بر این مدعاست.



عقده حقارت، ویس را بر آن داشت تا او به آن چه خود انتخاب کرده بود برسد و از این طریق به جانشین سازی این عقده دست یابد. این نگاه به شخصیت ویس، در برداشت صحیح و اصولی از ذهن و روان و ضمیر ناخودآگاه این شخصیت، خواننده را به این نتیجه سوق می‌دهد که فخرالدین اسعد در پردازش شخصیت‌های روایت خود نهایت ظرافت و دقت و شعور روایتگری را به کار برده است؛ او در جهت تبیین تصویری کامل و روشن از شخصیت‌های داستان، آن‌ها را با همه ویژگی‌های ظاهری، درونی و ذهنی؛ هم چون صحنه نمایشی در پیش چشم خواننده به نمایش درآورده است.

#### ۵- منابع

- ۱- آدلر، آلفرد، روانشناسی فردی، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران؛ تصویر، ۱۳۷۰.
- ۲- اسپریر، مانس، تحلیل روان شناختی استبداد و خودکامگی، ترجمه علی صاحبی، تهران؛ ادب و دانش، ۱۳۷۹.
- ۳- اسلامی ندوشن، محمدعلی، جام جهان بین، تهران؛ توس، ۱۳۷۰.
- ۴- احمدوند، محمدعلی، بهداشت روانی، تهران؛ پیام نور، ۱۳۸۶.
- ۵- اقبالی، ابراهیم و قمری گیوی، حسین، بررسی روان شناختی سه منظومه غنایی فارسی خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ویس و رامین، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱-۱۶، ۱۳۸۳.
- ۶- ایون، رابرت و لارنس ارلیام، مقدمه‌ای بر نظریه‌های شخصیت، نیوجرسی: همکاران لارنس ارلیام، ۲۰۰۳.
- ۷- راس. آلن، روان شناسی شخصیت، ترجمه سیاوش جمالفرد، تهران؛ روان، ۱۳۷۸.
- ۸- اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، به کو شش: محمد روشن، تهران؛ صدای معاصر، ۱۳۷۷.
- ۹- سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، تهران؛ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۰- شمیسا، سیروس، نقد ادبی، تهران؛ فردوسی، ۱۳۷۸.
- ۱۱- شولتز، دوان، نظریه‌های شخصیت، کریمی و همکاران، تهران؛ ارسباران، ۱۳۸۴.

- ۱۲- شاد آرام، علیرضا و شریفی ولدانی، غلامحسین، نقش زنان در دو داستان تریستان و ایزوت و ویس و رامین، فصلنامه نامه فرهنگستان، سال یازده، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۶، ۱۳۸۹.
- ۱۳- کارور، چارلز اس، نظریه‌های شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- ۱۴- کریمی، یوسف؛ روان‌شناسی شخصیت، تهران: پیام نور، ۱۳۸۴.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، تهران: پیام نور، ۱۳۸۵.
- ۱۶- کاظم خانلو، ناصر، رادمرد، مصطفی و علی‌نژاد زارعی، تحلیل روانشناختی کهن‌الگوی مادر در منظومه ویس و رامین، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، ۱۳۹۴.
- ۱۷- منصور، محمود، احساس کهنتری، تهران: رشد، ۱۳۵۸.
- ۱۸- منوچهریان، پرویز، عقده حقارت، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۲.
- ۱۹- میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران: شفا، ۱۳۷۶.
- ۲۰- ناصحی، عباسعلی و ریسی، فیروزه، مروری بر نظریات آدلر، مجله تازه‌های علوم شناختی، سال نهم، شماره اول، صص ۶۶-۵۵، ۱۳۸۶.